

بازنمایی اندرزهای اردشیر ساسانی در قابوسنامه (بر اساس مراحل سه‌گانه حکمت عملی)

عبدالله صفرزائی*

محمدتقی ایمان‌پور**

چکیده

اندرزها و حکمت‌های اردشیر ساسانی از لحاظ تربیتی چنان ارزشمند بود که علاوه بر کاربرد و استفاده فراوان در دوره ساسانی، در دوره اسلامی نیز به منزله منشوری برای فرمانروایان و منبعی غنی برای نویسندگان ادب و اخلاق و تاریخ به شمار می‌رفت. قابوسنامه از نصیحت‌نامه‌های نگاشته شده در قرن پنجم هجری است. موضوعات متنوع تربیتی قابوسنامه‌نشانگر آن است که عنصرالمعالی در نگارش آن، به منابع متعددی نظر داشته؛ بنابراین، بازیابی اندرزهای اردشیر ساسانی در این اثر جای بررسی دارد. اهمیت بازیابی اندرزهای اردشیر در قابوسنامه، تبیین فرآیندی است که حکمت‌های دوره ساسانی، در سده‌های نخست اسلامی با آموزه‌های اسلامی در باب مسائل تربیتی درهم آمیخت و آثاری تحت این شرایط پدید آمد که تا سده‌های اخیر در آموزش کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار می‌گرفت. با توجه به چنین فرآیندی، این سؤال مطرح است که اندرزهای اردشیر چگونه و در چه زمینه‌هایی، در قابوسنامه مورد استفاده قرار گرفته است؟ در این نوشتار اندرزهای اردشیر بر اساس بخش‌های سه‌گانه حکمت عملی در قابوسنامه مشخص شده است. این مقاله به روش تاریخی با تحلیل و مقایسه اندرزهای اردشیر و حکمت‌های موجود در قابوسنامه نگاشته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اندرزهای اردشیر ساسانی بخش قابل توجهی از محتوای قابوسنامه را شامل می‌شود. البته تعالیم اسلامی، تجربیات خود عنصرالمعالی و دیگر اندرزهای ایرانیان باستان نیز در نگارش قابوسنامه مورد استفاده قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اردشیر ساسانی، بازنمایی اندرزها، قابوسنامه، عنصرالمعالی، حکمت عملی

* مربی دانشگاه ولایت، دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی (نویسنده مسئول)، a.safarzaie@velayat.ac.ir

** استاد گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، imanpour@um.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از موارد با اهمیت دوره ساسانیان، نگارش اندرزنامه‌ها به خصوص اندرزنامه‌های شاهان ساسانی است. ادبیات پند و اندرز در این دوره به حدی شکوفا شد که از بیشتر شاهان ساسانی، اندرزهایی در قالب عهدنامه، کارنامه، نامه، خطابه، توقیع و غیره باقی مانده است. بیشتر اندرزهای باقی مانده از شاهان ساسانی مربوط به اردشیر اول و خسرو انوشیروان است. اندرزهای اردشیر به عنوان مؤسس سلسله ساسانیان، همانند منشوری سیاسی، دینی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی در آن دوره کاربرد داشت. این اندرزها در سده‌های نخست اسلامی نیز تا حدودی چنین نقشی ایفا می‌نمود؛ زیرا در این دوره، اندرزنامه‌های پهلوی دوره ساسانی به عربی ترجمه و در ابعاد متعدد به کار گرفته شد. نظر به اینکه آئین کشورداری و حکمرانی، بخش زیادی از محتوای اندرزهای شاهان ساسانی را شامل می‌شد، یکی از عوامل به‌کارگیری این اندرزها در دوره اسلامی؛ خلفا، امرا و وزرا بودند. دارا بودن نکات ظریف اخلاقی و تربیتی این اندرزها باعث شد، نویسندگان ادب، حکمت، اخلاق و تاریخ نیز اندرزهای شاهان ساسانی را مورد توجه قرار دهند. با توجه به چنین فرآیندی، بررسی و بازنمایی اندرزهای شاهان ساسانی در هر یک از آثار دوره اسلامی از جمله: نصیحت‌نامه‌ها، سیرالملوک‌ها و غیره جای تحقیق و تفحص دارد.

قابوسنامه یکی از مشهورترین نصیحت‌نامه‌های قرون نخستین اسلامی در ایران است. علاوه بر موضوعات متنوع تربیتی قابوسنامه، از آنجا که نگارنده آن از بازماندگان نسبتاً باستان‌گرای آل زیار بود، بررسی و بازنمایی اندرزهای شاهان ساسانی به خصوص اندرزهای اردشیر، در این اثر از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو، مسأله اصلی نوشته حاضر، بازنمایی اندرزهای اردشیر در قابوسنامه است که بر مبنای مراحل سه‌گانه حکمت عملی (تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست مُلن) مشخص شده است. عنصرالمعالی در نگارش قابوسنامه مراحل سه‌گانه حکمت عملی را همانند فیلسوفان، مد نظر نداشته؛ اما محتوای اندرزهای اردشیر و محتوای قابوسنامه به گونه‌ای است که بازنمایی اندرزهای اردشیر در قابوسنامه بر اساس شاخصه‌های سه‌گانه حکمت عملی با دقت بیشتری امکان‌پذیر است. با انتخاب این چارچوب برای پژوهش حاضر، ابتدا اندرزهای اردشیر و قابوسنامه در دو عنوان جداگانه به اختصار در سه بخش تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن معرفی شده، در پایان با تفصیل بیشتری در هر یک از مراحل سه‌گانه، اندرزهای اردشیر در قابوسنامه بازنمایی شده است.

درباره بازنمایی اندرزهای اردشیر ساسانی در قابوسنامه، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. مقاله‌ای با عنوان: «بازیابی اندرزهای اردشیر ساسانی در تاریخ فخری» و مقاله‌ای دیگر با عنوان: «بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایران باستان در قابوسنامه» از لحاظ موضوعی نزدیک‌ترین پژوهش‌هایی هستند، که در ارتباط با پژوهش حاضر انجام شده است. در مقاله اول فقط اندرزهای عهد اردشیر در مقدمه تاریخ فخری بدون در نظر گرفتن چارچوب یا ساختار نظری خاصی، بازیابی شده است. در مقاله دوم بدون معرفی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان، به ذکر اندرزها و حکمت‌های مشترک دینمردان، حکیمان و تا حدودی شاهان ایران باستان با اندرزهای موجود در قابوسنامه اکتفا شده است. مقاله‌ای نیز با عنوان: «بنیان نظری الگوی پیشرفت ایرانیان» به چاپ رسیده که در آن نظریه اجتماعی ایرانیان باستان یا حکمت عملی آنان تبیین شده و چگونگی معرفی و انتقال آن توسط مورخان سده‌های سوم تا ششم هجری در ایران دوره اسلامی مشخص شده است. پژوهش‌های دیگری درباره قابوسنامه و بعضاً مقایسه آرای تربیتی عنصرالمعالی با بعضی اندیشمندان دیگر انجام گرفته که ارتباط نزدیکی با پژوهش حاضر ندارند. از آنجا که عنصرالمعالی و اجدادش جزو طبقه حاکم به حساب می‌آمدند، بررسی اندرزهای اردشیر ساسانی در قابوسنامه، بحثی جدید و متفاوت از سایر پژوهش‌هایی است که تاکنون درباره قابوسنامه انجام گرفته است.

۲. اندرزهای اردشیر ساسانی

اردشیر بابکان (۲۴۰-۲۲۶م) پس از تأسیس سلسله ساسانی، به واسطه انضباط و امنیتی که به وجود آورده بود، به عنوان سرمشق واقعی خرد و حکمت تلقی شد و سیره و سخنان او، تحت عنوان «عهد اردشیر»، منشور سیاسی و اخلاقی شاهان پس از او گردید. عهد اردشیر شامل وصایای او به شاهان بعدی، برای بهره‌گیری درست از اخلاقیات و اصول کشورداری، جهت ماندگاری حکومت بود. از منابع تاریخی چنین بر می‌آید که عهد اردشیر در تمام دوره ساسانی برای شاهان آن خاندان، همچون قانونی اساسی بوده و تخطی از آن برای هیچ کس جواز نبود (الدینوری، ۱۹۶۰: ۴۵؛ جاحظ، ۱۹۱۴: ۹). با وجود این، متن پهلوی عهد اردشیر در دسترس نیست. البته در سده‌های نخست اسلامی، این عهد به عربی ترجمه شده و در متون دوره اسلامی، بخش‌هایی از آن باقی مانده است (عباس، ۱۳۴۸: ۴۸-۵۲).

با شکل‌گیری خلافت اسلامی و تقلید و اقتباس خلفا از دیوانسالاری دوره ساسانی، به تدریج مراجعه به اندرزهای شاهان ساسانی به خصوص اندرزهای اردشیر، مورد توجه حاکمان و فرمانروایان اسلامی قرار گرفت. چنین می‌نماید عهد اردشیر از اواخر دوره اموی، زمانی که افرادی مانند سالم و عبدالحمید به صاحب دیوانی خلفای اموی گماشته شدند، به عربی ترجمه شده و از همان دوران مورد استقبال حاکمان اسلامی قرار گرفته است (محمدی ملایری، ۵/۱۳۸۲: ۳۸۱). علاوه بر ترجمه‌های ناقص و پراکنده‌ای که در بعضی منابع دوره اسلامی از عهد اردشیر برجای مانده، چند نسخه تقریباً کامل‌تر از ترجمه عربی آن در کتاب‌های *الغره، تجارب الامم و نثر الدرر* باقی مانده است (عباس، ۱۳۴۸: ۵۴؛ مسکویه، ۲۰۰۱: ۱۲۲-۱۴۴؛ آبی، ۷/۱۹۹۰: ۸۴ - ۱۰۷). فردوسی اندرزهای عهد اردشیر را در ۱۱۶ بیت سروده است (۱۳۸۶: ۱۵۱۰ - ۱۵۱۴). بخشی از اندرزهای اردشیر را مورخانی از جمله: دینوری، مسعودی، اصفهانی، مسکویه، بیهقی، ابن بلخی و دیگران نیز نقل کرده‌اند (ترکمنی آذر، ۱۳۹۴: ۸۹). احسان عباس از محققان معاصر، متن عربی عهد اردشیر را با تحقیق و بررسی از کتاب *الغره* و تطبیق آن با متن‌های *تجارب الامم و نثر الدرر* استخراج و تدوین کرده (۱۳۴۸: ۶۰ - ۶۱) که به فارسی نیز ترجمه شده است.

فوشه کور اندرزهای موجود در عهد اردشیر را به دقت بررسی کرده و شامل شش موضوع اساسی یعنی؛ رابطه میان مُلک و دین، جانشینی پادشاه، قواعد رفتاری شخص پادشاه، روابط شاه با اطرافیان، تقسیم جامعه به چهار طبقه و رفتار شاه با مردم دانسته است (۱۳۷۷: ۱۰۶). وی با این تقسیم‌بندی سعی کرده موضوعات مشابه عهد اردشیر را در هر یک از منابع مربوط به دوره ساسانی مانند: نامه تنسر، شاهنامه و دیگر آثار منسوب به اردشیر شناسایی کند. علاوه بر این، این موضوعات را به تفکیک در هر یک از منابع دوره اسلامی نیز مورد شناسایی قرار داده است (همان: ۱۰۵ - ۱۲۰). آثار دیگر اردشیر ساسانی مانند: کارنامه اردشیر، نامه‌ها، خطابه‌ها و توقیعات وی نیز حاوی اندرزهایی بوده که در برخی منابع دوره اسلامی از آن‌ها و مضامین اندرزهای‌شان یاد شده است (مسعودی، ۱/۱۹۴۸: ۲۴۴ - ۲۴۶). اردشیر رساله‌ای نیز درباره سپاهیان، دبیان، داوران و مطالبی در زمینه پذیرش سفرای دیگر ممالک و دادخواهی و آبادانی سرزمین‌ها دارد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۱۹). تنها اثر باقی مانده از اردشیر به زبان پهلوی، «کارنامه اردشیر بابکان» است که حاوی اقدامات او جهت از بین بردن ملوک الطوائف و تأسیس سلسله ساسانیان بوده و اندرزهای چندانی دربر ندارد.

در این نوشتار اندرزهای اردشیر تا حد امکان بر اساس مراحل سه‌گانه حکمت عملی معرفی شده، تا بر اساس این چارچوب به طور دقیق‌تر در قابوسنامه، بازیابی شود. مراحل سه‌گانه حکمت عملی نخستین بار توسط فیلسوفان یونانی به خصوص ارسطو مطرح شد (علوی مقدم، ۱۳۷۴: ۲۶). ابن خلدون بر این باور است که این اندیشه ابتدا توسط مغان ایرانی مطرح شده است (۱۳۸۸/ ۱: ۷۰-۷۲). از آنجا که ادبیات شفاهی در ایران آن دوران غلبه داشت، آثاری از مغان ایرانی قبلاز عصر ارسطو باقی نمانده است. از این رو، فیلسوفان دوره اسلامی از جمله: فارابی، ابن سینا، غزالی و دیگران با اقتباس از فیلسوفان یونانی، حکمت‌ها و مسائل اخلاقی را بر اساس بخش‌های سه‌گانه حکمت عملی ارائه دادند (علوی مقدم، ۱۳۷۴: ۲۶). به تقلید از آنان، خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم هجری با مطالعه مجموعه آثاری که تا قبل از او در خصوص حکمت عملی نوشته شده بود، اثری جامع با عنوان «*اخلاق ناصری*» به یادگار گذاشت. وی اخلاق ناصری را مطابق با مراحل سه‌گانه حکمت عملی در سه بخش به نگارش درآورد. بخش اول با عنوان تهذیب نفس، اقتباسی از «*طهاره الاعراق*» مسکویه رازی بود (همان: ۵). بخش دوم با عنوان تدبیر منزل تحت تاثیر «*کیمیای سعادت*» امام محمد غزالی و رساله «*تدبیر منزل*» ابوعلی سینا نگاشته شد. در بخش سوم با عنوان سیاست مُدُن خواجه نصیر از «*السیاسة المدینه*» فارابی و دیگر رسائل وی استفاده کرده است. خواجه از منابع دیگری مانند: آداب ابن مقفع، رسائل افلاطون، ارسطو، یعقوب کندی و دیگران نیز بهره برده است (همایی، ۱۳۷۳: ض).

آوردن موضوعات و عناوین جزئی هر یک از مراحل سه‌گانه حکمت عملی بر اساس کتاب اخلاق ناصری به درازا می‌انجامد؛ لذا به طور مختصر بعضی از عناوین عمده هر بخش، قید شده است. خواجه نصیرالدین در بخش تهذیب اخلاق، سعادت را شامل چهار جنس از جمله: حکمت، شجاعت، عفت و عدالت دانسته است (۱۳۶۴: ۱۱۱ - ۱۱۲). وی ذیل هر یک از این اجناس چهارگانه، انواع چندی بر شمرده است. در جنس حکمت به صفای ذهن، سهولت تعلم، حسن تعقلو غیره اشاره دارد. در جنس شجاعت؛ بلندهمتی، ثبات، حلم، شهامت، تحمل، تواضع، حمیت، رقت و غیره را بر شمرده است. تحت جنس عفت به انواعی شامل: حیا، مسالمت، صبر، قناعت، وقار، ورع، انتظام، حریت، سخا و غیره اشاره کرده در جنس عدالت انواع: صداقت، الفت، وفا، شفقت، صلت رحم، مکافات، توکل، عبادت و غیره را یاد کرده است. وی اصداد اجناس چهارگانه را شامل:

جهل، جبن، شره و جور نامیده و انواع متعددی برای این‌ها برشمرده، که به اختصار شامل: وقاحت، اسراف، بخل، تکبر، تذلل، فسق، غضب، عجب، مزاح، استهزاء، غدر، بددلی، خوف، حزن، حسد و غیره است (همان: ۱۱۲ - ۱۱۵).

خواجه نصیرالدین بخش دوم حکمت عملی، یعنی؛ تدبیر منزل را در پنج رکن از جمله: پدر، مادر، فرزند، خادم و قوت معرفی کرده، سپس در چهار فصل به بیان جزئیات آن‌ها پرداخته است. وی در فصل اول با عنوان: سیاست اموال و اقوات، اموال را در سه بخش یعنی؛ دخل و حفظ و خرج تشریح کرده است. در فصل دوم به سیاست و تدبیر اهل و در فصل سوم به سیاست و تدبیر اولاد پرداخته و فصل چهارم را به سیاست خدم و عیید اختصاص داده است. الحاقیه‌اینیز در ارتباط با حقوق پدر و مادر به این بخش اضافه کرده است (همان: ۲۰۶ - ۲۴۰). خواجه در بخش سوم حکمت عملی با عنوان سیاست مدن به آئین و اصول کشورداری پرداخته و موضوعات متعددی را در این بخش مطرح کرده است. به عنوان مثال، به موضوعاتی از قبیل: سیاست ملک و آداب ملوک، فضیلت صداقت و کیفیت معاشرت با اصدقا و کیفیت معاشرت با اصناف خلق پرداخته و در جزئیات به مسائل متعددی از جمله: التزام به عدالت، پرهیز از جور، حشمت و هیبت، علو همت، صبر بر شدائد، میانه‌روی در امور، دلجویی از رعیت، معاشرت با دوستان، دشمنان، زیردستان، همانندان و بالادستان، دور کردن سخن‌چینان، دوری از لذات و شهوات، پرهیز از محبت ریاست، پاکی از رذائل و غیره اشاره کرده است (همان: ۳۰۰ - ۳۳۴).

برای تقسیم‌بندی موضوعات اندرزهای اردشیر و قابوسنامه بر اساس بخش‌های سه‌گانه حکمت عملی، تقسیم‌بندی اخلاق ناصری به عنوان نمونه و الگو در نظر گرفته شده است. ممکن است این شبه وجود داشته باشد که خواجه نصیر دو قرن بعد از عنصرالمعالی می زیست و انتخاب اخلاق ناصری به عنوان نمونه و الگو به دلیل تأخر زمانی نسبت به قابوسنامه گزینه مناسبی نباشد، اما به چند دلیل این انتخاب صورت گرفته است. اولاً: کتاب اخلاق ناصری و تقسیم‌بندی مراحل سه‌گانه حکمت عملی در آن طراحی و خلاقیت خود خواجه نصیر نبوده، بلکه طرح و تقسیم‌بندی و حتی محتویات آن اقتباس از آثار است که قبل از عنصرالمعالی نگاشته شدند، لذا چنین استنباط می‌شود به واسطه آن آثار عنصرالمعالی با مراحل سه‌گانه حکمت عملی و تقسیم‌بندی‌های جزئی آن آشنایی داشته است. ثانیاً: مجموعه آثاری که قبل از عنصرالمعالی به بحث‌های حکمت عملی پرداختند، از بین رفتند. آن دسته از آثار آن دوره که از گزند روزگار محفوظ ماندند نیز به

یک الی دو مرحله از مباحث مراحل سه‌گانه حکمت عملی پرداختند. بنابراین اثر واحدی که قبل از عنصرالمعالی به صورت جامع مراحل سه‌گانه حکمت عملی را آورده باشد، در دسترس نیست. از این رو، اگر چندین اثر به عنوان نمونه و الگو مدنظر قرار گیرند، پراکندگی در مباحث ایجاد می‌شود. ثالثاً: کتاب اخلاق ناصری صرفاً به عنوان یک الگوی نظری در نظر گرفته شده و در بسیاری از پژوهش‌ها بدون در نظر گرفتن تقدم و تأخر زمانی نسبت به یک واقعه تاریخی، الگوی نظری را مبنا قرار داده و پژوهش را در چارچوب آن انجام داده‌اند.

اندرزهای اردشیر از جنس و نگاه فیلسوفان نبود، اما با بررسی و دقت در اندرزهای باقی‌مانده از وی، می‌توان آن اندرزها را در سه بخش حکمت عملی تقسیم‌بندی نمود. البته هوزنه‌اندرزهای اردشیر در مرحله سوم یعنی؛ توصیه‌های سیاسی، نسبت به دو مرحله نخست سنگینی می‌کند. به جهت اختصار، در این قسمت به ذکر یکی دو مثال از اندرزهای اردشیر در هر مرحله، اکتفا شده است. یکی از اندرزهای اردشیر در بخش تهذیب اخلاق، خطاب به جانشینانش این است که:

پیکارتان با ملت‌های دشمن، پیش از پیکار کردنبا خوی‌های زشتی که در مردم خودتان است، نه از نیکو رهبری، بلکه زیانکاریست» (عباس، ۱۳۴۸: ۷۵). در بند ۱۸ عهد اردشیر آمده است: «نسزاست که شهریار بخل ورزد، چه بخل مایه حرص است. نسزاست دروغ گوید، چه هیچ کس نمی‌تواند او را به کاری که نمی‌خواهد وادارد. نسزاست خشم گیرد، چه خشم و ستیزه‌کاری مایه بدکاری و پشیمانی است (همان: ۸۶).

از جمله اندرزهای اردشیر در بخش تدبیر منزل، مواردی از قبیل: آیین زن خواستن، چگونگی رفتار با زنان، کنیزان و خدمتکاران و توصیه‌هایی در زمینه مسائل مالی است. به عنوان مثال آورده است: «در خویشان زناشویی کنید که تبار را نگه دارد و خویشاوندی را نزدیک‌تر سازد». وی در مورد مسائل مالی، توصیه کرده «احتکار مکنید تا به قحط دچار نشوید» (همان: ۱۰۳). در بخش سیاست مدن که موضوع اصلی اندرزهای اردشیر است، اندرزهای سیاسی فراوانی را می‌توان برشمرد. در این اندرزها چگونگی رفتار با دشمنان، دوستان، زیردستان و از همه مهم‌تر، چگونگی اداره کشور مطابق با شرایط سیاسی، دینی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره بیان شده است. مهم‌ترین موضوع اندرزهای سیاسی وی رعایت عدل و داد و پیوند آن با ماندگاری حکومت است.

در این باره آورده است: «شاه باید داد بسیار کند که داد مایه همه خوبی‌هاست و منع زوال و پراکندگی ملک است و نخستین آثار زوال ملک این است که داد نماند» (مسعودی، ۱/۱۹۴۸: ۲۴۴ - ۲۴۵).

۳. قابوسنامه

قابوسنامه اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر یکی از آخرین بازماندگان امرای آل زیار در قرن پنجم هجری است. خاندان ایرانی نژاد آل زیار از سال ۳۱۶ تا ۴۳۴ ق. بر بخش‌هایی از ایران فرمانروایی داشتند. با مرگ مشهورترین امیر زیاری یعنی مرداویج (۳۲۳-۳۱۶ ق)، قلمرو حکومتی آل زیار به نواحی شمالی ایران محدود شد. از اسکندر پدر عنصرالمعالی به عنوان یکی از آخرین امیران آل زیار یاد شده است. اسکندر با دختر مرزبان بن رستم باوندی ازدواج و از او به سال ۴۱۲ ق. صاحب پسری شد که او را کیکاووس نام نهاد (نفیسی، ۱۳۲۰: ۴ - ۶). عنصرالمعالی در جوانی به مدت هشت سال در غزنین، ندیم مودود بن مسعود غزنوی (۴۳۲-۴۴۰ ق) بود (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). وی با دختر سلطان محمود غزنوی نیز ازدواج کرد و پسرش گیلاشاه ثمره این ازدواج است (همان: ۵).

از محتوای قابوسنامه چنین برمی‌آید که عنصرالمعالی از تاریخ گذشته ایران و اسلام آگاه بود و در انشا، عروض، پزشکی، اخترشناسی، موسیقی، فنون سپاهی و کشورداری نیز توانایی بسیاری داشت. وی در جوانی علاوه بر فنون مخصوص امیرزادگان، مانند: سواری، تیراندازی، شنا، آیین سپاه و جز آن، سال‌ها نزد آموزگاران دانش آموخته است (نفیسی، ۱۳۲۰: ۲۷-۲۹). وی زبان پهلوی را نیز می‌دانست (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) و به کار بستن سخن‌ها و پندهای انوشیروان را برای خود و پسرش ضروری می‌شمرد (همان: ۵۰). قرائن نشان می‌دهد که روح و فرهنگ عنصرالمعالی آمیزه‌ای از فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی روزگار اوست و این دو چنان در هم تنیده که تبیین حد و مرز آن دو ساده نیست (سبزیان پور، ۱۳۹۲: ۵۴).

آرای عنصرالمعالی در یک مقدمه و چهل و چهار باب با موضوعات متنوع در قابوسنامه مطرح شده است. انگیزه نویسنده از تألیف این کتاب، ابتدا ارشاد و راهنمایی فرزندش گیلاشاه و سپس بهره‌مندی دیگر جویندگان بود (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۴). کیکاووس آشکارا خواسته است همه دانش خود را به فرزندش منتقل کند، به گونه‌ای که قابوسنامه

تا اندازه‌ای به صورت یک دایره‌المعارف تجربی حول سه محور: اخلاق فردی، زندگی اجتماعی و معرفت پیشه‌ها جلوه می‌کند (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۱۵). قابوسنامه به سبب اشتغال بر موضوعات متنوع: دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ادبی چنان اهمیت دارد که از آن به عنوان مجموعه تمدن اسلامی قبل از مغول نیز یاد شده است (بهار، ۱۳۷۶: ۶۰۴). اگرچه تقسیم‌بندی مراحل سه‌گانه حکمت عملی، به طور خاص همانند فیلسوفان، مد نظر عنصرالمعالی نبوده، بیشتر باب‌های قابوسنامه از لحاظ موضوعی در تقسیم‌بندی مراحل سه‌گانه حکمت عملی جای دارد. به جز باب‌های نخست قابوسنامه که در آن‌ها به توحید، نبوت و ارکان دین اسلام پرداخته و بعضی از باب‌هایی که حاصل تجربه زندگانی وی است و در آن‌ها به تفریحات و به خصوص پیشه‌ها توصیه کرده، باب‌های دیگر قابوسنامه با موضوعات مراحل سه‌گانه حکمت عملی مطابقت دارد. از لحاظ ترتیب نیز، باب‌های نخست قابوسنامه بیشتر به موضوع تهذیب نفس، باب‌های میانی به موضوع تدبیر منزل و باب‌های پایانی به موضوع سیاست مُدُن اختصاص یافته‌است. از آنجا که عنصرالمعالی بسیاری از حکمت‌های فلاسفه یونان به خصوص ارسطو را ذکر کرده، دلیلی دیگر بر این است که حکمت‌های عملی سه‌گانه به طور ضمنی مدنظر وی بوده است.

عصرالمعالی در برخی از باب‌ها با موضوعات: در فرونی گهر از فرونی خرد و هنر، در پیشی جستن از سخن دانی، در یاد کردن پندهای نوشین‌روان، در پیری و جوانی، در خویشتن داری و ترتیب خوردن و آئین آن، آئین شراب خوردن، اندر مزاح کردن و نرد و شطرنج انداختن، در عشق ورزیدن و امانت نگاه داشتن؛ به مسائل اخلاقی و مرحله نخست حکمت عملی یعنی؛ تهذیب اخلاق پرداخته است. باب‌هایی از قابوسنامه که به موضوعاتی مانند: در شناختن حق پدر و مادر، آئین زن خواستن، اندر تمتع کردن، در حق فرزندان و حق شناختن، در جمع کردن مال، در برده خریدن، در خریدن ضیاع و عقار، در بازرگانی کردن، در امانت نگاه داشتن و مهمان کردن و مهمان شدن اشاره دارد، در مرحله دوم حکمت عملی یعنی؛ تدبیر منزل جای دارد. در باب‌هایی که به موضوعاتی از قبیل: آئین و شرط پادشاهی، آئین و شرط وزارت، آئین و شرط سپهسالاری، آداب دبیری و شرط کاتب، آداب ندیمی پادشاه، اندر کارزار کردن، خدمت کردن پادشاه و غیره پرداخته، حکمت‌های سیاسی خویش را بیان داشته، که جزو مرحله سوم حکمت عملی به حساب می‌آید.

۴. جستجوی اندرزهای اردشیر در قابوسنامه

برای روشن شدن فرآیند بازنمایی اندرزهای اردشیر ساسانی در قابوسنامه، ابتدا جریان به کارگیری و اقتباس از اندرزهای اردشیر ساسانی در ایران سده‌های نخست اسلامی، به طور مختصر بررسی شده است. از آنجا که در دوره اسلامی، الگوپذیری از شیوه‌های حکومتی ساسانیان مرسوم شده بود، توجه به اندرزهای اردشیر ساسانی و به کارگیری آن اندرزها رواجی گسترده یافت؛ زیرا حکمت‌ها و اندرزهای اردشیر ساسانی از منابع اصلی شیوه‌های حکومت‌داری ساسانیان بود. از این رو، یکی از عوامل اصلی رواج اندرزهای اردشیر ساسانی در دوره اسلامی، خلفا بودند. به عنوان مثال مامون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ق) به معلم پسرش «الواثق بالله» گفته بود: «به او کتاب خدا، خواندن منشور اردشیر و حفظ کردن کلیله و دمنه را بیاموزد» (المبرد، ۱۹۵۶: ۴). عامل دیگر رواج اندرزنامه‌های دوره ساسانی در خلافت اسلامی، وزیران و دبیران ایرانی بودند (العاکوب، ۱۳۷۴: ۱۰۳). از قرن سوم هجری با شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی، از قبیل: طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل زیار، آل بویه و حتی حکومت ترک نژاد غزنویان، به کارگیری اندرزها و حکمت‌های شاهان ساسانی شتاب بیشتری گرفت.

وصیت‌نامه طاهر بن حسین (۲۰۵-۲۰۷ق) به فرزندش عبدالله نظیر پند و اندرزهایی است که پادشاهان بزرگ ایران از جمله: اردشیر و انوشیروان به فرزندان‌شان توصیه می‌کردند (یادگاری، ۱۳۸۸: ۴۵۱). دربار و دیوانسالاری غزنویان نیز به واسطه تجمع شاعران فارسی زبان و به کارگیری دبیران و وزیران ایرانی، اقتباسات زیادی از آداب درباری و دیوانسالاری ساسانیان داشت؛ چنانکه برخی مکاتبات دربار غزنین به نواحی دیگر از جمله بغداد، به زبان فارسی انجام می‌شد و مراسم نوروز و مهرگان نیز در دربار غزنویان رواج داشت (باسورث، ۲۵۳۶: ۸۹، ۱۳۷). تأثیرپذیری غزنویان از ساسانیان بسیار مهم است؛ زیرا عنصرالمعالی به مدت هشت سال در دربار غزنویان، ندیم مودود بن مسعود غزنوی بود (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). رواج آداب و سنن ساسانیان در نزد امرای آل زیار، دلیل دیگری بر اثبات تأثیرپذیری عنصرالمعالی از اندرزهای شاهان ساسانی به خصوص اردشیر است. امرای آل زیار به حدی به ساسانیان علاقه‌مند بودند که نسب‌نامه‌شان را به انوشیروان می‌رساندند (همان: ۵۰). علاوه بر این، گذاشتن اسامی کیکاووس، منوچهر، انوشیروان و غیره برای فرزندان‌شان، که چنین چیزی در نزد امرای دیگر ایرانیان دوره چندان مرسوم نبود، نشانگر علاقه‌مندی بیشتر آل زیار به رسوم باستانی بود.

علاوه بر حاکمان، مورخان و نویسندگان ادب و حکمت و اخلاق سده‌های نخست اسلامی نیز از اندرزهای شاهان ساسانی به خصوص اندرزهای اردشیر به عنوان منبعی غنی استفاده می‌کردند. مورخان سده‌های نخست اسلامی در ایران به منظور آشنایی حاکمان با عملکرد ملکداری و فرهنگ سیاسی ایرانیان جهت به‌کارگیری از آن‌ها برای بهبود وضع، به کرات اندرزهای شاهان ساسانی را در آثارشان یادآور شده‌اند (ترکمنی آذر، ۸۷-۸۹). شاعران فارسی زبان نیز در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزهای دوره ساسانی بودند. به عنوان مثال: در ابیات بجای مانده از مثنوی آفرین‌نامه ابوشکور بلخی که در سال ۳۳۲ ق. سروده شده، اندرزنامه‌های شاهان ساسانی برجستگی آشکاری دارد (مشرف ۱۳۸۹: ۵۵). در متون تعلیمی منثور مانند: کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، تحفه الملوک، نصیحه الملوک، سیاست‌نامه و به خصوص قابوسنامه رد پای اندرزهای اردشیر ساسانی کاملاً نمایان است (جابری، ۱۳۸۶: ۶۵). تأثیرپذیری از اندرزهای اردشیر ساسانی در آثاری مانند: قابوسنامه و سیاست‌نامه به حدی است که این آثار حتی برای مطالعه و تحقیق، درباره دولت ساسانی و تشکیلات آن نیز معتبر هستند (محمدی، ۲۵۳۶: ۹۱). اقدام عنصرالمعالی در تدوین این اندرزنامه به لحاظ رفتاری نیز سنت اردشیر ساسانی را به یاد می‌آورد که پندها و گفتارهای آموزنده و کاربردی خویش را در قالب وصایا برای فرزندش برجای گذاشته است (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۳۵).

همچنانکه گفته شد، خلفای اسلامی و حاکمان سده‌های نخست اسلامی در ایران، تأثیرپذیری آشکاری از اندرزهای اردشیر ساسانی داشتند. از طرفی نویسندگان ادب، حکمت، اخلاق و تاریخ نیز به اندرزهای اردشیر ساسانی به عنوان منبعی غنی می‌نگریستند. با این وجود، عنصرالمعالی راجه‌به عنوان عضوی از طبقه حاکم، چه به عنوان نویسنده ادب و اخلاق فرض کنیم؛ جریان و فرآیند تأثیرپذیری وی از اندرزهای اردشیر ساسانی، به وضوح آشکار است. با توجه به مشخص شدن این جریان و فرایند، اندرزهای اردشیر در سه بخش تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن، در قابوسنامه مورد جستجو قرار گرفته است.

۱.۴ جستجو در بخش تهذیب اخلاق

ستودن خرد در معانی و مفاهیم مختلف آنیکی از موارد مشابه اندرزهای اخلاقی اردشیر ساسانی و قابوسنامه به حساب می‌آید. در این باره، اندرزهای فراوانی از اردشیر

برجای مانده است. در یکی از اندرزهای اردشیر درباره خرد در مفهوم عقل و شعور چنین آمده است: «خرد را بر هوس چیره سازید که راه فرمانروایی خرد همین است، چون هوس بر شما چیره شود، چنان زبون می‌شوید که مردم شما را کم خرد می‌پندارند» (عباس، ۱۳۴۸: ۹۱). در راستای این موضوع عنصرالمعالی نیز به فرزندش اینگونه توصیه نموده است: «اندر هر کاری رأی را فرمانبردار خرد کن، و اندر هر کاری که بخواهی کردن، نخست با خرد مشورت کن که وزیرالوزرای پادشاه، خرد است» (۱۳۹۰: ۲۲۷).

اندرز اخلاقی مشترک دیگر، توصیه به هم نشینی با نیکان و دوری از افراد ناشایسته است. اردشیر در این باره یادآور شده:

برای نفس شاه و رئیس و دانشور فرزانه چیزی زیان‌آورتر از معاشرت مردم پست و آمیزش اشخاص فرومایه نیست؛ زیرا همچنانکه نفس از آمیزش مردم شریف فرزانه و الانزاد اصلاح پذیرد، از معاشرت فرومایه تباهی گیرد. باد وقتی به بوی خوش گذرد، بوی خوش آرد که نفوس را سرزنده کند و اعضا را نیرو فزاید و اگر به عفونت گذرد و عفونت آرد، نفس را رنجه دارد و اخلاق را زیان کلی رساند (مسعودی، ۱۹۴۸/۱: ۲۴۴).

عنصرالمعالی این مورد را این‌گونه آورده است: «صحبت جز با مردم نیک نام مکن که از صحبت نیکان مرد نیک نام شود، چنانچه روغن کنجد از آمیزش با گل و بنفشه، که به گل و بنفشه‌اش باز می‌خوانند، از اثر صحبت ایشان» (۱۳۹۰: ۳۶).

یکی دیگر از موضوعات مشابه اندرزهای اخلاقی اردشیر ساسانی با قابوسنامه، تأکید بر نگاه‌داری اسرار و رازها است. راجع به این مسأله اردشیر ساسانی چنین توصیه کرده است:

از هویدا کردن رازها نزد خویشان کوچک و وابستگان خود سخت بپرهیزید؛ زیرا هیچ یک از ایشان توانایی نگاه‌داری بار سنگین هر رازی را ندارد و سرانجام یکی از ایشان ندانسته راز را بیرون دهد، یا از خیانتکاری کار را به جایی رساند که دوست نداری» (عباس، ۱۳۴۸: ۸۹-۹۰).

عنصرالمعالی در این باره چنین گفته است: «جز با خود راز خویش مگوی، اگر بگویی آن سخن را زان پس راز مخوان و پیش مردمان راز خویش مگوی» (۱۳۹۰: ۴۶).

رعایت نظم و انضباط در امور، از موضوعات مشابه دیگر اندرزهای اخلاقی اردشیر و قابوسنامه است. در بند سی و یکم عهد اردشیر آمده است: «اگر شاه زمان کار و آسودن و خوردن و نوشیدن و شادخواری را اندازه نهاد و بسامان کرد، دیگر کسی بیهوده از او چشم ندارد زمان این کارها را بر هم زند و نابسامان کند» (عباس، ۱۳۴۸: ۹۶). درباره نظم و انضباط در قابوسنامه چنین توصیه شده است:

هر کاری را اندازه‌ای است، حکیمان چنین گفته‌اند: شبانه‌روزی بیست و چهار ساعت، دو بهر بیدار باشی و بهری خفته. هشت ساعت به طاعت خدای تعالی و به کدخدایی خود مشغول باید بودن و هشت ساعت بطیب و عشرت و تازه داشتن روح خویش و هشت ساعت بیاید آرמיד (۱۳۹۰: ۹۱).

در ارتباط با پایبندی به فضائل اخلاقی از قبیل: راستگویی، مشورت کردن، تدبیر، دوراندیشی، بردباری و دوری از رذائل اخلاقی مانند: دروغ، حسد، بخل، سخن چینی، تنبلی و غیره، مضامین مشترک فراوانی میان اندرزهای اردشیر ساسانی و قابوسنامه وجود دارد که حاکی از تأثیرگذاری اندرزهای اردشیر ساسانی بر قابوسنامه در این موارد است. بخشی از این موارد را اردشیر این‌گونه توصیه کرده است: «نسزاست که شهریار بخل ورزد، چه بخل مایه حرص است. نسزاست خشم گیرد، چه خشم و ستیزه‌کاری مایه بدکاری و پشیمانی است. نسزاست شوخی و ریشخند کند، چه شوخی کردن و ریشخندکردن کار بیکارگان است» (عباس، ۱۳۴۸: ۸۶). همین توصیه‌ها در قابوسنامه چنین آمده است: «اگر طاقت بود به عطای مال بخل مکن. با بخیلان صحبت مکن. بر وقت خشم بر خویشان واجب کن خشم فروخوردن. تا توانی از مزاح سرد کردن پرهیز کن» (۱۳۹۰: ۲۹، ۷۷، ۱۴۹، ۱۵۰).

۲.۴ جستجو در بخش تدبیر منزل

در بخش تدبیر منزل، اندرزهای باقی‌مانده از اردشیر بسیار ناچیز است؛ بر عکس در قابوسنامه باب‌های متعددی به این موضوع اشاره دارد. نکته دوم در ارتباط با این بخش از حکمت عملی، این است که از لحاظ موضوعی اشتراکاتی بین اندرزهای اردشیر و قابوسنامه وجود دارد، لیکن مضامین و مفاهیم آن دو با یکدیگر متغایر و تا حدودی متفاوت است. به عنوان مثال: در اندرزهای اردشیر، در باب زن گرفتن آمده است: «در

خویشاوندان زناشویی کنید که تبار را نگه دارد و خویشاوندی را نزدیک‌تر سازد» (عباس، ۱۳۴۸: ۱۰۳). عنصرالمعالی برعکس چنین توصیه نموده است:

با خویشاوندان خویش وصلت مکن و زن از بیگانگان خواه که با قرابات خویش اگر وصلت کنی و اگر نکنی ایشان خود خون و گوشت تواند. پس زن از قبیله دیگر خواه، تا قبیله خویش را به دو قبیله کرده باشی و بیگانه را خویش گردانیده (۱۳۹۰: ۱۳۶).

این تفاوت ناشی از تغییراتی است که در دوره عنصرالمعالی در خصوص مسائل اجتماعی و اعتقادی نسبت به دوره ساسانی به وجود آمده بود. در ایران باستان به علت پاکی تبار و خون و همچنین انتقال ارث و میراث به نزدیکان، ازدواج با اقربا و خویشاوندان نزدیک توصیه می‌شد (کریستنسن، ۱۳۸۰: ۲۲۹). در سده‌های چهارم و پنجم هجری علاوه بر عمومیت یافتن اعتقادات اسلامی در ایران که در این دین ازدواج با غیرخویشاوندان بیشتر توصیه شده بود (غزالی، بی تا/۴: ۷۱۸)، به علت مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و وصلت حکام و قبایل مختلف با یکدیگر به جهت افزایش قدرت و غیره، باعث شده بود عنصرالمعالی در باب ازدواج این گونه توصیه نماید.

در ارتباط با تدبیر منزل یک بند از اندرزهای عهد اردشیر اختصاص به چگونگی برخورد و معاشرت با زنان، فرزندان و خدمت‌کاران است، که در آن چنین گفته است:

چنین دانم که شما با در دست داشتن کار شهریاری به زنان و فرزندان و همالان و کنیزکان و وزیران و یاوران و کومک‌کاران و اندرزگویان و پیرامونیان و دلخکان و آرایشگران گرفتار خواهید بود. همه اینان به جز دسته اندکی، همواره بر آند تا مگر برای خود چیزی بدست آرند تا از خود چیزی دهند. کوشش هر یک از ایشان برای گرمی بازار خود اوست و بهتر کردن زندگی فردایش (عباس، ۱۳۴۸: ۶۵).

این مضامین را عنصرالمعالی در چندین باب به طور کامل‌تر توضیح داده و به روابط متقابل با این گروه‌ها و حتی به حقوق متقابلان‌ها نیز اشاره دارد. به عنوان مثال: یک باب در آئین زن خواستن، یک باب در تربیت فرزند، یک باب در خدمت کردن پادشاه، یک باب در برده خریدن و خصوصیات آن و یک باب در آیین و رسم خنیاگری آورده است. عنصرالمعالی در ارتباط با حقوق زن و فرزند توصیه کرده است: «اگر چند، چیز (مال) عزیز است از زن و فرزند خود دریغ مدار» (۱۳۹۰: ۱۲۹). در ارتباط با حقوق متقابل خدمتکاران آورده است: «بر چاکران خویش به رحمت باش و ایشان را از بد نگهبان باشی

که خداوندان چون شبان باشند و کهتران چون رمه، اگر شبان بر رمه خویش برحمت نباشد، ایشان را از سیاع نگه ندارد» (همان: ۲۲۹).

درباره مسائل مالی یکی از اندرزه‌های اردشیر این است که «احتکار نکنید تا به قحط دچار نشوید» (عباس، ۱۳۴۸: ۱۰۳). عنصرالمعالی در یکی از باب‌های قابوسنامه با عنوان: در جمع کردن مال، به طور کامل به این مسأله پرداخته و تمام ابعاد آن را به تفصیل بیان کرده است. وی ابتدای این باب را با این توصیه‌ها آغاز کرده است: «جهد کن تا هر چه فراز آوری از نیکوترین روی بود تا بر تو گوارنده بود. چون فراز آوردی نگاه دار و بهر باطل از دست برنده، که نگاه داشتن سخت‌تر از فراز آوردن است. چون بهنگام درباستگی خرج کنی، جهد کن تا عوض آن زود باز جای نهی که چون برای خرج همی برداری و عوض آن باز جای نهی، اگر گنج قارون بود هم روزی اسپری شود» (۱۳۹۰: ۱۳۶).

۳.۴ جستجو در بخش سیاست مدن

از آنجا که محتوای اصلی اندرزه‌های اردشیر ساسانی، موضوعات سیاسی بوده، این اندرزه‌ها در بخش سیاست مدن در مقیاس گسترده‌تری در قابوسنامه اقتباس شده است. یکی از موضوعات مشابه اندرزه‌های سیاسی اردشیر ساسانی با قابوسنامه، توصیه به رعایت عدل و داد و تأثیر آن بر ماندگاری حکومت است. اندرزه‌های اردشیر ساسانی سرشار از مطالبی با این موضوع است. در عهد اردشیر در خصوص عدالت به معنی توازن قوا آمده است: «نیرو جز با سپاه پدید ناید و سپاه جز با مال و مال جز با آبادانی و هیچ آبادانی جز بدادگری و نیکو راهبری پدیدار نگردد» (عباس، ۱۳۴۸: ۱۱۲). مضامینی مشابه با این موضوع در قابوسنامه نیز نقل شده است. به عنوان مثال آمده است: «بدان که جهانداری به لشکر توان کردن و لشکر به زر توان داشت و زر به عمارت کردن بدست توان آوردن و عمارت به داد و انصاف توان کرد، از عدل و انصاف غافل مباش» (۱۳۹۰: ۲۱۸). در جایی دیگر اردشیر در خصوص عدل و داد و ارتباط آن با ماندگاری حکومت چنین گفته است: «شاه باید داد بسیار کند که داد مایه همه خوبی‌هاست و منع زوال و پراکندگی ملک است و نخستین آثار زوال ملک این است که داد نماند» (مسعودی، ۱/۱۹۴۸: ۲۴۴ - ۲۴۵). در ارتباط با این مفهوم از عدالت در قابوسنامه آمده است: «بیداد را در دل خویش راه مده که خانه ملکان دادگر دیر بماند و قدیمی گردد و خانه بیدادگران زود پست شود؛ زیرا که داد آبادانی بود و بی داد ویرانی» (۱۳۹۰: ۲۳۳).

از دیگر موضوعات مشابه اندرزهای سیاسی اردشیر با قابوسنامه، حفظ هیبت و حشمت شاهی، قاطع بودن در فرمان و برخورد با متخلفان است. از اردشیر در این باره نقل کرده‌اند: «شاهی که مردم از او بترسند، بهتر از شاهی است که از مردم بترسد» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۸۲). در جایی دیگر وی چنین گفته است: «آسایش بهر همگان نخواهد بود، مگر آنکه ترس بر کسان ناراست و هرزه و مردم آزار چیره باشد» (همان: ۴۹۷). عنصرالمعالی نیز چنین مضامینی را به فرزندش توصیه کرده که عبارتند از: «کم گوی و کم خنده باش تا کهتران بر تو دلیر نشوند، که گفته‌اند: بدترین کاری پادشاه را دلیری رعیت و بی فرمانی حاشیت است» (۱۳۹۰: ۲۲۸)، «فرمان خویش را بزرگ دار و مگذار که کسی فرمان ترا خلاف کند» (همان: ۲۲۰)، «بر بی‌رحمتان رحمت مکن و بخشایش مکن» (همان: ۲۲۸).

موضوع مشابه دیگر اندرزهای سیاسی اردشیر با قابوسنامه، آگاهی از وضعیت مملکت و رعیت است. راجع به آگاهی اردشیر از امور رعیت و دربار آمده است: «چون ندیمان او بیامدندی بامداد گفتی تو دوش فلان چیز خوردی و با فلان زن و فلان کنیز بودی و هرچه آنکس کرده بودی همه بگفتی تا مردمان بگفتند که او را از آسمان فریخته می‌آید و آگاهی می‌دهد» (غزالی، ۱۳۸۴: ۳۴۵). عنصرالمعالی در این باره چنین نگاه داشته است: «پس باید که از حال رعیت و لشکر خویش غافل نباشی و از حال مملکت خویش بی‌خبر نباشی، خاصه از حال وزیر و باید که وزیر تو آب نخورد که تا تو ندانی که جان و مال خود بدو سپرده‌ای» (۱۳۹۰: ۲۳۸).

دقت در انتصاب عاملان شایسته حکومتی، از دیگر موضوعات مشابه اندرزهای سیاسی اردشیر با قابوسنامه است. در این باره از اردشیر نقل شده است: «برای شاهان چیزی هراس انگیزتر از آن نیست که مهتران دم شونند یا کهتران سر گردند». در ادامه این مطلب گفته: «با فرمانروایی فرومایگان کار مردم سامان نمی‌یابد» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۸۳). عنصرالمعالی در این باره به فرزندش گفته است: «هر عملی که به کسی دهی سزاوار ده و از بهر طمع را جهان در دست بیدادگران و جاهلان منه و غافل و مفلس و بی‌نوا را عمل مفرمای» (۱۳۹۰: ۲۲۰). در موضعی دیگر چنین گفته:

چون کسی را شغلی دهی نیک بنگر شغل بسزاوار مرد ده و بدانچه تو در باب چاکری معنی باشی شغلی که نه مستحق آن باشد وی را مفرمای، کسی که فراشی را شاید شراب‌داری مفرمای و آنکه خازنی را شاید حاجبی مده (همان: ۲۳۰).

موضوع مشابه دیگر اندرزهای سیاسی اردشیر ساسانی با قابوسنامه، نیکی با زیردستان و رعیت و درگذشتن از خطاهای آنهاست. درباره نیکی کردن و بخشندگی، اردشیر چنین آورده است: «همگان را شایسته است بخشنده باشند، اما نابخشنده‌گی از پادشاهان به هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست، چه آنان به بخشش توانایند» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۸۳). وی همچنین در این باره یادآور شده: «با پریشانی تودگان نیکی و سامانی برای ویژگیان نیست» (همان: ۴۸۲). عنصرالمعالی نیز در ارتباط با این موضوعات، به فرزندش توصیه‌های زیادی کرده که برخی از آنها به اختصار چنین‌اند: «چون به گناهی از تو عفو خواهند، عفو کن و بر خویشان واجب دان اگرچه سخت گناهی بود» (۱۳۹۰: ۱۵۲)، «پس چون مجرمی عفو خواهد اجابت کن و هیچ گناهی مدان که آن به عذر نیرزد» (همان: ۱۵۴).

شباهت دیگر اندرزهای سیاسی اردشیر با قابوسنامه، این است که غرق شدن بیش از حد در قدرت شاهی به مستی تشبیه شده است. به عنوان مثال در عهد اردشیر آمده است:

در مزاج شاهی بزرگی و ایمنی و شادی و نیرومندی و برتری جویی و بی‌باکی و خودپسندی و خرده‌گیری از دیگران نهاده است و هر چند سال بر شاهی افزوده گردد و شاهی او درازتر شود این چهار خوی در منش او نیرو گیرد تا آنجا که او را به مستی شاهی گرفتار سازد که آفت آن از مستی شراب پرزورتر است پس بدبختی‌ها و لغزیدن‌ها را از یاد برد تا آنجا که پیشامدها و ناکامی‌ها و سرزنش‌های زمانه را فراموش کند (عباس، ۱۳۴۸: ۶۲-۶۳)

عنصرالمعالی این تشبیه‌سازی را چنین به تصویر کشیده است:

اما جهد کن تا از شراب پادشاهی مست نگردی، به شش خصلت اندر تقصیر مکن، نگاهدار: هیبت و داد و دهش و حفاظ و آهستگی و راست گفتن که اگر پادشاه از این شش خصلت از یکی دور شود، نزدیک شود به مستی و هر پادشاهی که از مستی پادشاهی مست شود، هوشیاری او اندر رفتن پادشاهی باشد (۱۳۹۰: ۲۳۵).

میان‌روی و اعتدال در امور نیز از موضوعات مشابه اندرزهای سیاسی اردشیر با قابوسنامه است. در این باره اردشیر به یکی از عمال خود نوشته بود:

شنیده‌ام که تو ملایمت را بر خشونت و محبت را بر مهابت و ترس را بر شجاعت ترجیح می‌دهی، ولی باید در آغاز کار خشن و در آخر ملایم باشی، هیچ کس را از مهابت خود بی‌نصیب نگذاری و از محبت مأیوس نکنی که این دو قرین یکدیگرند (مسعودی، ۱/۱۹۴۸: ۲۴۸ - ۲۴۹).

عنصرالمعالی این موضوعات را به فرزندش چنین گوشزد کرده است: «لکن یکباره چنان نرم مباش که از خوشی و نرمی بخورندت و نیز چنان درشت مباش که هرگز بدست نساوندت» (۱۳۹۰: ۳۷). در بابی دیگر آورده است: «اندر کارها افراط و تفریط مکن و افراط را شوم دان و اندر همه شغلی میانه باش» (همان: ۴۶). همچنین گفته است: «پس اندازه همه کارها نگهدار، خواه در دوستی باشد خواه در دشمنی که اعتدال جزویست از عقل کلی» (همان: ۱۴۸).

یکی دیگر از موارد مشترک اندرزهای سیاسی اردشیر ساسانی با قابوسنامه، مسأله برافتادن حکومت به جهت بیکار گذاشتن رعیت است. در این باره از قول اردشیر آمده است: «بدانید که برافتادن حکومت‌ها نخست از بیکار رها کردن مردم و سرگرم نساختن ایشان به کارهای سودمند آغاز شده است» (عباس، ۱۳۴۸: ۷۵). در قابوسنامه راجع به این مبحث آمده است: «از هر کس شغلی دریغ مدار تا از منفعتی که از آن شغل بیابند با قصد خویش مضاف کنند و تو نیز در باب ایشان بی‌اندیشه‌تر زی» (۱۳۹۰: ۲۳۴).

خصوصیت‌ها و شرایط ندیم‌یاز دیگر اقتباسات عنصرالمعالی از اندرزهای سیاسی اردشیر ساسانی است. اردشیر در این باره چنین توصیه نموده است:

از کسانی که همنشین شهریارانند و با ایشان آمیزش دارند، هیچکدام به اندازه ندیم درخور این نیست که دارای همه نیک‌خویی‌ها و ادب‌دانی‌ها و آگاه بر نکته‌های نمکین و سخنان شگفتی آیین باشد. ندیم نیازمند است با دارا بودن شکوه شاهی فروتنی بندگان را نیز دارا باشد و با سنگینی پیران سبک‌رو حی جوانان را. نیکی ندیم کامل نخواهد بود مگر آنکه دارای آراستگی و جوانمردی نیز بوده باشد» (عباس، ۱۳۴۸: ۲۶).

عنصرالمعالی نیز بعضی از این توصیه‌ها را اقتباس نموده و به فرزندش نصیحت کرده، چنانکه آراستگی ندیم را این‌گونه توصیه کرده است: «باید که لقائی دارد که مردمان را از دیدن وی کراهیتی نباشد» (۱۳۹۰: ۲۰۳). وی آگاهی بر نکته‌های نمکین و

سخنان شگفتی آیین را این گونه آورده است: «اندر ملامی تو را دست بود. نیز چنان باید محاکمی باشی و بسیار حکایت‌های مضاحک و سخن مسکته و نوادرهای بدیع یاد داری، که ندیمی بی حکایات و نوادر ناتمام باشد». این خصوصیت ندیم که سنگینی پیران و سبک-رویی جوانان را دارا باشد، این چنین اقتباس کرده است: «نیز که باید اندر تو هم جد باشد و هم هزل، اما باید وقت استعمال سخن بدانی که کی باشد» (همان: ۲۰۴).

با توجه به بازنمایی بخش عمده‌ای از اندرزهای اردشیر در قابوسنامه، کاملاً آشکار است که عنصرالمعالی در تدوین قابوسنامه از اندرزهای اردشیر ساسانی به‌خصوص در بخش‌های تهذیب اخلاق و سیاست مدن استفاده شایانی برده است. البته عنصرالمعالی از اندرزهای سایر شاهان ساسانی و از دیگر اندرزهای دوره ساسانی مانند: اندرز آذرباد مارسپندان، اندرز اوشنر دانا، اندرزهای بزرگمهر و غیره نیز استفاده کرده است.

با ورود اسلام به ایران و رخدادهایی که در مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره در سده‌های نخست ایران اسلامی اتفاق افتاد، با وجود تداوم فرهنگ و سنن دوره باستانی بسیاری از مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دچار تغییر و تحول گردید. از این رو، به رغم آنکه عنصرالمعالی تحت تأثیر سنت شاهان ساسانی این اندرزنامه را نگاشته و از مضامین آن‌ها استفاده شایانی برده، وی متأثر از اوضاع دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر خویش نیز بوده است. در واقع بخش عمده‌ای از حکمت‌های موجود در قابوسنامه، تحت تأثیر شرایط دینی، سیاسی اجتماعی، فرهنگی و تربیتی زمانه نویسنده نگاشته شده و متفاوت از اندرزهای اردشیر و سایر اندرزهای دوره ساسانی است. به جهت اختصار، تنها سه مورد از تفاوت‌های قابوسنامه نسبت به اندرزهای اردشیر ساسانی اشاره شده است.

یکی از تفاوت‌های عمده قابوسنامه با اندرزهای اردشیر، ماهیت دینی قابوسنامه است. عنصرالمعالی علاوه بر به‌کار بردن آیات و احادیث فراوان در متن قابوسنامه، باب‌های نخست قابوسنامه را به توحید، نبوت و سپس ارکان دین اسلام شامل: نماز، روزه، حج و زکات اختصاص داده است. تفاوت عمده دیگر قابوسنامه و اندرزهای اردشیر، در ارتباط با شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوت دو دوره از لحاظ زمانی است. در اندرزهای اردشیر بر رعایت حفظ طبقات اجتماعی و پایگاه هر طبقه تأکید زیادی شده است. به عنوان مثال: در بند سیزدهم عهد اردشیر آمده است:

هر کس از شما که پس از من فرمانروا شود، نباید برآمدن هریک از طبقات چهارگانه یعنی سررشته‌داران دین و جنگیان و فرزنانگان و کارورزان را به طبقه دیگر از رفتن شاهی خویش سبک‌تر گیرد؛ زیرا هرزمان مردم از پایگاهی که دارند جابجا شدند، هر کدام از ایشان پیوسته به پایگاهی بالاتر از آنچه دارد چشم دوزد و با دیگران به رشکبری برخیزد (عباس، ۱۳۴۸: ۷۹)

در قابوسنامه نه تنها چنین چیزی مشاهده نمی‌شود، بلکه در باب‌های متعددی، عنصرالمعالی در ارتباط با یادگیری پیشه‌های مختلف به همه افراد جامعه، توصیه‌های اکیدی دارد. وی در باب تربیت فرزند به صراحت چنین توصیه کرده است:

هر چند پیشه نه کار کودکان محتشمان است، هنر دیگر است و پیشه دیگر. اما از روی حقیقت نزدیک من پیشه بزرگ‌ترین هنر است و اگر فرزندان مردمان خاصه صد پیشه دانند، چون به کسب نکنند همه هنر است و هنر یک روز بیر آید (۱۳۹۰: ۱۳۵).

از تفاوت‌های دیگر قابوسنامه با اندرزهای اردشیر ساسانی، این است که قابوسنامه از لحاظ پرداختن به موضوعات متنوع و مختلف، اندرزنامه‌ای جامع‌تر و کامل‌تر بوده و عنصرالمعالی خودش در علوم و فنون مختلف آگاهی دقیقی داشته است، چنانکه در باب علم طب به طور تخصصی از اطلاعات پزشکی برخوردار است. در علم نجوم همچون منجمی آگاه به اطلاعات تخصصی نجوم اشراف دارد و در باب مسائل دینی همچون عالم دینی و در هر بابی از لحاظ وسعت اطلاعاتش در آن موضوع، چنان است که گویی در همان زمینه متخصص است.

۵. نتیجه‌گیری

اندرزهای اردشیر ساسانی از جایگاه والایی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فرهنگی دوره ساسانیان برخوردار بود. با ورود اسلام به ایران، با الگوبرداری تدریجی حکومت‌های اسلامی از دیوانسالاری و دستگاه اداری، مالی و سیاسی ساسانیان، توجه به رساله‌های باقیمانده از دوره ساسانی با موضوع کشورداری بیشتر شد. یکی از مهم‌ترین رساله‌ها در این باره، عهد اردشیر بود. از آنجا که اندرزهای سیاسی اردشیر حاوی نکات اخلاقی بود، این اندرزها توسط نویسندگان سیاست‌نامه‌ها و آثار تاریخی، ادبی و

اخلاقی نیز مورد توجه قرار گرفت. از این رو، اندرزهای اردشیر ساسانی از دو جهت بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوسنامه تأثیرگذار واقع شد؛ زیرا عنصرالمعالیهیم از طبقه امرا و دیوانسالاران است و هم در شمار نویسندگان نصیحت‌نامه‌ها قرار دارد. با این اوصاف، بازنمایی اندرزهای اردشیر بر مبنای بخش‌های سه‌گانه حکمت عملی در قابوسنامه بررسی شده است. در بخش اول حکمت عملی یعنی؛ تهذیب نفس، اندرزهای اخلاقی زیادی از اردشیر در قابوسنامه قابل مشاهده است. در بخش تدبیر منزل اندرزهای کمتری از اردشیر به چشم می‌خورد، اما عنصرالمعالی در این بخش مفصل بحث کرده، ضمناً نظرات وی در این بخش بعضاً متفاوت با اندرزهای اردشیر است. در بخش سیاست مدن، اندرزهای سیاسی مشابه فراوانی وجود دارد که بعضی اندرزهای سیاسی اردشیر را، عنصرالمعالی به طور عینی در قابوسنامه آورده است. با وجود اینکه اندرزهای اردشیر به وضوح در قابوسنامه مشاهده می‌شود، قابوسنامه تحت تأثیر شرایط سیاسی، دینی اجتماعی و تربیتی دوره اسلامی نگاشته شده، چنانکه باب‌های اولیه آن کاملاً هم سو با آموزه‌های اسلامی است. علاوه بر این، محتوای قابوسنامه در ارتباط با شرایط سیاسی و اجتماعی دوره ساسانی نیز به خصوص در بحث حفظ طبقات اجتماعی، متفاوت با اندرزهای اردشیر است.

کتاب‌نامه

- آبی، ابوسعید (۱۹۹۰)، *نثرالدرر*، جلد ۷، تصحیح منیره محمدالمدنی و حسین نصار، قاهره: بی‌نا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، *مقدمه*. ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- باسورث، ادموند کلیفورد (۲۵۳۶)، *تاریخ غزنویان*. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.
- بهار، محمد تقی (۱۳۷۶)، *سبک شناسی*. جلد ۲، تهران: انتشارات بدیبه.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۴)، *بنیان نظری الگوی پیشرفت ایرانیان (تاملی بر تاریخ نوشته‌های قرن سده سوم تا ششم هجری)*، مجله سیاست متعالیه، سال سوم، شماره هشتم. بهار ۱۳۹۴، صص ۸۳-۱۰۰.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن.
- ثعالبی، ابومنصور (۱۹۶۳)، *تاریخ غررالسیر*، طهران: مکتبه الاسدی.
- جابری، ناصر (۱۳۸۶)، *در ماهیت اندرز و اندرزخوانی*. کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۸، ۶۴-۶۷.

- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۱۴)، *التاج*. تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره: بی نا.
- الدینوری ابوحنیفه (۱۹۶۰)، *الاحبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: داراحیاءالکتب العربی.
- سبزیان پور، وحید (۱۳۹۲)، *بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایران باستان در قابوسنامه*. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۵۱-۸۶.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۴)، *اخلاق ناصری*. به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- العاکوب، عیسی (۱۳۷۴)، *تأثیر نپند پارسی بر ادب عرب*. ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران: علمی و فرهنگی.
- عباس، احسان (۱۳۴۸)، *عهد اردشیر*. ترجمه محمدعلی امام شوشتری، تهران: انجمن آثار ملی.
- علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده (۱۳۷۴)، *برگزیده اخلاق ناصری*. بی جا: انتشارات توس.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۹۰)، *قابوسنامه*، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- غزالی، ابوحامد محمد (بی تا)، *احیاء علوم الدین*، القاهره: دارالشعب.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۱۷)، *نصیحه الملوک*. با مقدمه، تصحیح و حاشیه جلال‌الدین همایی. تهران: چاپخانه مجلس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*. به کوشش پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فوشه کور، شارل هانری دو (۱۳۷۷)، *اخلاقیات*. ترجمه محمد علی امیر معزی و عبدالمحمد روحبخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۸۰)، *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغ بیدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدای معاصر.
- المبرد، محمد بن یزید (۱۹۵۶)، *الفاضل*. تحقیق عبدالعزیز میمنی، قاهره: دارالکتب المصریه.
- محمدی، محمد (۲۵۳۶)، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۲)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*. جلد ۵، تهران: انتشارات توس.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۴۸)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*. الجزء الاول، به تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۲۰۰۱)، *تجارب الامم*. الجزء الاول، حقیقه و قدم له ابوالقاسم امامی، طهران: دار سروش.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹)، *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. تهران: انتشارات سخن.
- نقیسی، سعید (۱۳۲۰)، *منتخب قابوسنامه*. تهران: چاپخانه سپهر

بازنمایی اندرزهای اردشیر ساسانی در قابوسنامه ... ۹۷

یادگاری، عبدالمهدی (۱۳۸۸)، *نیشابور طاهری مرکز ثقل خراسان*. تهران: نشر ژرف.
همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳)، *منتخب اخلاق ناصری*. تهران: نشر هما.